

فصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ اسلام

سال بیست و یکم، شماره هشتاد و سوم

پاییز ۱۳۹۹

رفتارشناسی صحابه در توزیع غنائم غزوات پیامبر ﷺ

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۱/۱۳

تاریخ تأیید: ۱۳۹۹/۸/۲۴

۱ شکرالله خاکرند

۲ سید احیا سیدی

۳ معصومه دهقان

هجرت به مدینه و نزول آیات جهاد سبب تغییراتی اساسی در مفهوم غنیمت و ایجاد رفتارهایی ناهم‌گون در بین صحابه شد. مقاله پیش‌رو با رویکرد توصیفی-تحلیلی و با استناد به منابع کهن تاریخی و تفاسیر قرآنی و با بهره‌گیری از مطالعات رفتاری در پی آن است که ضمن طبقه‌بندی جنگ‌های عصر نبوی و رفتارشناسی صحابه در مواجهه با غنائم، علل ناهم‌گونی رفتار آنان را تحلیل نماید و به چرایی آن پاسخ دهد.

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که در غزوه بدر، اختلاف صحابه در توزیع غنائم، ریشه در باورهای جاهلیت آنها داشت و در غزوه احد، طمع‌ورزی آنها به غنیمت به شکست در این جنگ انجامید. هم‌چنین در غزوات تنبیهی با ناکثین، غنیمت‌خواهی در بین انصار و مهاجر وجود نداشت

۱. دکترای تاریخ اسلام، دانشیار دانشکده علوم انسانی، بخش تاریخ، دانشگاه شیراز
(khakrand@shirazu.ac.ir).

۲. دانشجوی دکترای تاریخ اسلام، دانشگاه شیراز (sseidahia@yahoo.com).

۳. دکترای تاریخ اسلام، استادیار دانشکده علوم انسانی، بخش تاریخ، دانشگاه شیراز
(ma.dehghan@shirazu.ac.ir).

ولی در جنگ‌های ممانعت‌کننده، انصار بر پایه منافع آینده خود، لب به اعتراض جمعی در هنگام توزیع غنایم گشودند. این اعتراض‌ها از سوی منافقان به دلیل عدم اعتقاد قلبی به ارزش‌های دینی و آزمندی به دنیا و در نومسلمانان به دلیل درونی نشدن اعتقادات اسلامی به چشم می‌خورد.

کلیدواژگان: غزوات پیامبر ﷺ، غنیمت، اصحاب پیامبر ﷺ، مهاجران، انصار.

۱. مقدمه

درک درست بسیاری از حوادث سیاسی و اجتماعی یک جامعه، وابسته به رفتارشناسی مردم است. رفتارشناسی در مباحث تاریخی به معنای شناخت و بررسی کنش‌ها و واکنش‌های رفتاری مردم یک جامعه در رویارویی با روش‌های سیاسی حاکمان وقت، عادات و سنن قومی، میزان دل‌سپاری به آن و چگونگی رویارویی با تغییرات راه یافته در پدیده‌های فرهنگی و آداب و رسوم قومی خویش بر اثر عوامل مختلفی، مانند باورهای دینی جدید است و راهکاری برای شناخت علل پدیداری بسیاری از وقایع و حوادث سیاسی و اجتماعی در تاریخ هر ملت است. رفتارشناسی تمام جنبه‌های رفتار انسان را در بر می‌گیرد و ارتباط آن‌ها را تبیین می‌نماید. به عبارتی دیگر، رفتارشناسی به مطالعه ابعاد مختلف رفتار آدمی و ارتباط این ابعاد با هم می‌پردازد.^۱

ویژگی‌های اساسی خاصی زیر بنای رفتار همه آدمیان است که به مدد رفتارشناسی می‌توان آن‌ها را شناسایی کرد. این ویژگی‌ها از آن جهت دارای اهمیت هستند که پیش‌بینی را ممکن می‌سازند.^۲ به همین جهت می‌توان گفت که رفتار تا حدودی قابل

۱. شریعتمداری، روانشناسی تربیتی، ص ۵.

۲. رضائیان، مدیریت رفتار سازمانی، ص ۹.

پیش‌بینی است. بنابراین شناسایی، توصیف و تحلیل رفتارها، امکان پیش‌بینی، کنترل و تغییر رفتار پدیده‌ها را مهیا خواهد کرد. هم‌زمان با تشکیل حکومت اسلامی در مدینه و ایجاد حکومت سیاسی جدید با رویکرد دینی متفاوت با گذشته، بسیاری از عادات، سنن و ارزش‌های قومی عرب دچار دگرگونی‌هایی گردیدند.

یکی از مهم‌ترین پدیده‌های به جا مانده از باورهای جاهلی در عصر نبوی، قبیله‌گرایی، جنگ‌طلبی و غنیمت‌خواهی بود.^۱ پیامبر ﷺ با بهره‌گیری از مکتب الهام بخش وحی تلاش می‌کرد با ایجاد دگرگونی، غنیمت را در خدمت اهداف دین قرار دهد. با این وجود، صحابه در رویارویی با پدیده غنیمت، گاه رفتارهایی ناهم‌گون بروز می‌دادند. شناخت و تحلیل این رفتارها در طول تاریخ صدر اسلام، بسیار اهمیت دارد؛ زیرا این رفتارها منشأ و محور بسیاری از وقایع و بحران‌ها بوده‌اند و بسیاری از دگرگونی‌های جامعه نوپای اسلامی، محصول رفتارهای ناهم‌گون صحابه بوده است. بنابراین بر همین فرض با توجه به موضوع، رفتار صحابه در توزیع غنایم عصر مدنی مورد تحلیل و واکاوی قرار می‌گیرد.

در همین خصوص، منابع تاریخی دست اول به شیوه تقسیم غنایم و رفتارهای سوء برخی صحابه، اشاراتی دارند که چرایی این رفتارها و چگونگی بروز آن‌ها نیاز به تحلیل و واکاوی دارد. جوادعلی (د. ۱۴۰۸ ه.ق.) در جلد ۹ کتاب *المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام*، توضیحات مختصری درباره روش اختصاص غنایم در عصر جاهلیت و عصر پیامبر ﷺ ارائه می‌دهد، اما به تحلیل رفتاری مسلمانان در رویارویی با غنایم نمی‌پردازد. هم‌چنین، جابری (د. ۲۰۱۰ م.) در کتاب *عقل سیاسی در اسلام* در فصلی به موضوع غنیمت می‌پردازد و مقاومت قریش در برابر دعوت پیامبر ﷺ را به مسئله غنیمت مرتبط می‌داند. او در ادامه، ارتباط آن را در دولت اسلامی بیان می‌کند به چرایی واکنش‌های رفتاری در توزیع غنایم نمی‌پردازد.

۱. ابن خلدون، *دیوان المبتدأ والخبر فی تاریخ العرب والبربر*، ج ۱، ص ۱۸۶.

علی یوسفی هم در مقاله‌ای، برآورد کمی عصر خلفای راشدین و برخی پی آمدهای آن را بررسی می‌کند و به رخدادهای تاریخی و سیاسی آن و رفتارهای صحابه، توجه چندانی ندارد. همچنین، حمزه‌علی بهرامی در پژوهشی با عنوان *مقایسه تحلیلی سیره رسول خدا ﷺ با دوره خلفای راشدین در تقسیم غنایم* به بررسی تفاوت روش پیامبر ﷺ در تقسیم غنایم با خلفای راشدین (د. ۱۱-۱۰۴۰ ه.ق) می‌پردازد، ولی به چرایی رفتارها اشاره‌ای ندارد.

بر این اساس در این مقاله به تبیین و تحلیل رفتار گونه‌هایی از صحابه اعم از مهاجران، انصار و منافقان در توزیع غنایم غزوات پیامبر ﷺ با رویکرد توصیفی-تحلیلی و با استناد به منابع اصلی تاریخی و تفاسیر معتبر قرآنی و مطالعات رفتاری می‌پردازیم و به پرسش‌های رفتار صحابه اعم از مهاجران، انصار و منافقان در توزیع غنایم عصر مدنی از منظر آیات قرآنی و منابع تاریخی چگونه بود؟ این رفتارها ریشه در چه عواملی داشت؟ و بسترهای بروز آن چیست؟ پاسخ می‌دهیم.

در این پژوهش، مهم‌ترین جنگ‌های دوران پیامبر ﷺ براساس شکل و دلیل وقوع آن در سه طبقه جنگ‌های پدافندی یا تدافعی، جنگ‌های تنبیهی با ناکشین و جنگ‌های ممانعت‌کننده تقسیم می‌شوند. این روش تقسیم‌بندی بر اساس نظریه عبدالحمیدی و رجوع به منابع مورد استفاده ایشان در تقسیم جنگ‌های پیامبر ﷺ به دسته‌های دفاعی، تهاجمی، پیش‌گیرانه و جنگ‌های به دلیل پیمان‌شکنی^۱ انجام گرفته است. به نظر می‌رسد با این نوع تقسیم‌بندی و قرار گرفتن هر کدام در طبقه خاص، بتوان به تحلیل مناسب رفتارشناسی گونه‌های مختلف صحابه در توزیع غنایم جنگی غزوات پیامبر ﷺ دست یافت.

۲. رفتارشناسی مهاجران و انصار در توزیع غنایم جنگ‌های پدافندی یا تدافعی

منظور از جنگ‌های پدافندی یا تدافعی در عصر مدنی، جنگ‌هایی مانند بدر، احد و احزاب است. سپاه اسلام در مدینه در مقابل حملات قریش به دفاع می‌پرداختند. دفاع در برابر

۱. عبدالحمیدی، مستشرقان و پیامبر اعظم ﷺ، ص ۲۸۵.

دشمن متجاوز با نزول آیه ۳۹ حج^۱ بعد از هجرت به مدینه، مشروعیت یافت. نخستین اقدام پیامبر ﷺ در این باره، تهدید منافع تجاری مشرکان بود. به گزارش منابع تاریخی در دوازدهمین ماه هجرت، طبق دستوری که از خدای تعالی به آن حضرت رسید با جمعی از مهاجران برای جنگ با مشرکان از مدینه خارج شد.^۲

براساس ارزش‌های مقبول فرهنگ جاهلیت، غنایم جنگی به جنگ‌جویان درگیر در صحنه مبارزه تعلق داشت و رؤسای قبایل از حقوقی خاص مرعا، صفایا، نشیطه و فضول برخوردار بودند.^۳ مرعا معادل یک‌چهارم غنایم بود که به رؤسای قبیله تعلق داشت.^۴ صفایا به غنایمی گفته می‌شد که رئیس قبیله پیش از تقسیم، آن را به خود اختصاص می‌داد. نشیطه؛ یعنی آنچه که در مسیر عزیمت به محل جنگ و پیش از آغاز جنگ به غنیمت گرفته می‌شد. هم‌چنین، فضول به چیزی گفته می‌شد که چون کم بود، قابل تقسیم نبود.^۵ این شیوه جاهلی با ظهور اسلام به تدریج، دچار تغییری اساسی گردید.

بنابر شواهد تاریخی، اولین سربهای که سبب کسب غنایم گردید، نخله^۶ یا سربیه عبدالله بن جهش (د.۵۲.ق.) بود.^۷ عبدالله بن جهش با دوازده تن از مهاجران^۸ به فرمان

۱. طباطبایی، تفسیر المیزان، ج ۱۴، ص ۵۴۱

۲. ابن هشام، السیرة النبویة، ج ۱، ص ۵۹۰

۳. ابن منظور، لسان العرب، ج ۷، ص ۴۱۵؛ حاج حسن، حضارة العرب فی عصر الجاهلیة، ص ۷۳

۴. واقدی، المغازی، ج ۱، ص ۱۷

۵. جواد علی، المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، ج ۹، ص ۲۶۶-۲۶۷

۶. نخله باقی است از ابن عامر در نزدیکی مکه؛ رک. مقریزی، امتاع الاسماع، ج ۱، ص ۷۵

۷. واقدی، المغازی، ج ۱، ص ۱۳

۸. طبری، تاریخ الطبری، ج ۲، ص ۴۱۰

پیامبر ﷺ به نخله رفت.^۱ در این سریره، چند مشرک کشته شدند و اموال ایشان تصرف گردید. عبدالله بن جحش (د. ۵۳ق.هـ) پس از مراجعت، غنایم را پنج بخش کرد و چهار بخش آن را تقسیم کرد و یک‌بخش باقی مانده در اختیار پیامبر ﷺ قرار گرفت. این نخستین خمسی بود که در اسلام پرداخت شد و بعدها آیه ۴۱، سوره انفال نازل گردید.^۳ اختصاص این سهم به پیامبر ﷺ براساس مرعا، حکم مرسوم در جاهلیت بوده است.^۴

بنا بر گزارش واقدی (د. ۵۲۰۷ق.هـ)، پیامبر ﷺ غنایم نخله را نگه‌داشت و با غنایم بدر تقسیم کرد و حق هر قوم را داد.^۵ با توجه به سیاق آیات اول سوره انفال به نظر می‌رسد، این روایت به حقیقت نزدیک‌تر باشد. از آنجایی که این حادثه در رجب از ماه‌های حرام اتفاق افتاد، قریشیان پیامبر ﷺ و مسلمانان را شتمات می‌کردند که حرمت ماه حرام را شکستند، دست به خون‌ریزی زدند، اموال مردم را غارت و مردان را اسیر کردند.^۶ این ماجرا موجب شد یهودیان بر شدت خشونت و سرزنش‌های خود بیفزایند و مدینه را چون دیگ جوشانی نمایند.^۷

۱. بیهقی، دلائل النبوة، ج ۳، ص ۱۹؛ ابن هشام، السیرة النبویة، ج ۱، ص ۶۰۲

۲. طبری، تاریخ الطبری، ج ۲، ص ۴۱۰-۴۱۱

۳. واقدی، المغازی، ج ۱، ص ۱۷-۱۸

۴. یآوری سرتختی، «بررسی تاریخی وضعیت خمس در عصر حضور ائمه(ع)»، تاریخ اسلام در

آینه پژوهش، شماره ۳۴، ص ۱۰۷

۵. واقدی، المغازی، ج ۱، ص ۱۸

۶. ابن هشام، السیرة النبویة، ج ۱، ص ۶۰۴

۷. واقدی، المغازی، ج ۱، ص ۱۶

این عوامل زمینه نزول آیه ۲۱۷ بقره گردید. این آیه، اقدام مجاهدان نخله را تأیید نمود و قریش را سرزنش کرد.^۱ براساس کاربست رفتارشناسی، رفتار مجاهدان نخله در کسب غنایم به دور از طمع نفسانی و شرکت در آن برمبنای انجام تکلیف بوده است. گزارش منابع تاریخی حکایت از همین فرض دارد که عبدالله بن جحش (د. ۵۳.ق.) به اصحاب خویش گفت که هر کس از شما که به شهادت رغبت دارد همراه شود. سپس همگی به راه افتادند.^۲

آنان خطا کردند و برخلاف دستور پیامبر ﷺ عمل کردند، اما خطای آنان به جهت تصمیم‌گیری در شرایط فوری بود و می‌پنداشتند که اگر اقدام نکنند، کاروان وارد منطقه ممنوعه حرم می‌شود که جنگ و خون‌ریزی در آن حرام بود.^۳ بنابراین، این تصمیم جنجالی را اتخاذ کردند.

۱-۲. رفتارشناسی مهاجران و انصار در توزیع غنایم بدر

در این غزوه هر دو گروه مهاجر و انصار در پی غنایم بودند و پس از پایان جنگ، اختلافاتی درباره تصاحب غنایم پدید آمد. بنا بر گزارش منابع تاریخی، تعدادی از هر دو گروه انصار و مهاجر، مانند ابوبکر (د. ۱۳.ق.) و سعد بن معاذ (د. ۵۵.ق) کنار خیمه پیامبر ﷺ ماندند، اما برخی دیگر، دست به غارت زدند و گروهی اسیر گرفتند و غنیمت جمع کردند تا این که به نزاع برخاستند و خداوند متعال، آیه ۱ انفال^۴ را نازل کرد.^۵

۱. قمی، تفسیر القمی، ج، ص ۷۱-۷۲

۲. بیهقی، دلائل النبوة، ج ۳، ص ۱۹؛ ابن هشام، السیرة النبویة، ج ۱، ص ۶۰۲

۳. واقدی، المغازی، ج ۱، ص ۱۴.

۴. «از تو از انفال پرسش می‌کنند، بگو انفال مال خدا و رسول است، پس از خدا بترسید، و میان خود صلح برقرار سازید، و خدا و رسول او را اطاعت کنید اگر با ایمان هستید» (طباطبایی، ترجمه

تفسیر المیزان، ج ۹، ص ۳)

۵. واقدی، المغازی، ج ۱، ص ۹۸.

یکی از عوامل پیدایش این اختلاف و جدال آن بود که جنگ جویان می‌پنداشتند مطابق باورهای جاهلی، پیامبر ﷺ غنایم را فقط به آنان اختصاص خواهد داد.^۱ عامل دیگر در ایجاد این تنش‌ها در تقسیم غنایم، آن بود که کدام طایفه از انصار یا مهاجر، سهم بیشتری از غنایم می‌برند. بر اساس گزارش واقدی (د. ۵۲۰۷ق) عرصه تقسیم غنایم، تبدیل به مسابقه میان انصار و مهاجر گردید. برخی حتی قطفه‌ای کم بها را چال^۲ می‌کردند.^۳ مؤید این امر، آیه *يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْأَنْفَالِ*^۴ است.

هم‌چنین به ضمیمه قرائنی که در سیاق کلام است، این معنا حاصل می‌شود که سؤال کنندگان فرض نموده بودند، مالک غنیمت هستند و اختلافشان هم در این بود که غنایم به کدام طایفه تعلق دارد؟ و نحوه مالکیت و توزیع آن چگونه است؟^۵ پرسش‌های استفهامی قرآنی دو محور دارند که یکی در مورد مسائل تکوینی است و دیگری تشریحی، مانند سؤال از حکم انفال بدر. زمانی هم طرح آن با انگیزه‌های شخصی انجام می‌شود که آیه مورد بحث از این گروه است.

در این غزوه، مسلمانان درباره غنایم اختلاف پیدا کردند و هر گروه با بیان دلایلی، غنایم را به خود اختصاص می‌داد.^۶ در این قضیه که ریشه در باورهای جاهلی داشت، شجاعان می‌پنداشتند، رسول خدا ﷺ غنایم را به آن‌ها اختصاص خواهد داد، بدون این که به ناتوانان چیزی داده شود، ولی آن حضرت دستور فرمود، همه غنایم را به بیت‌المال

۱. طباطبایی، تفسیر المیزان، ج ۹، ص ۹

۲. پنهان کردن زیر خاک.

۳. واقدی، المغازی، ج ۱، ص ۱۰۲.

۴. انفال: ۱.

۵. طباطبایی، تفسیر المیزان، ج ۹، ص ۹.

۶. طبری، تاریخ الطبری، ج ۲، ص ۴۵۷-۴۵۸؛ ابن هشام، السیرة النبویة، ج ۱، ص ۶۴۱-۶۴۲.

برگرداند و آنچه را که از قبل برای مردم تعیین فرموده بود به آنها داد و بقیه غنایم به طور مساوی تقسیم گردید.^۱

پیامبر ﷺ دو سهم برای اسب و یک سهم برای صاحبان آن اختصاص داد. حتی برای بردگان و کسانی که به دلیلی در بدر حضور نداشتند، سهمی در نظر گرفت.^۲ بدین ترتیب بر خلاف عصر جاهلیت، همه افراد جامعه از سهمی خاص برخوردار شدند. نکته مهم این است که پیامبر ﷺ مانند رؤسای قبایل در دوران جاهلی، سهمی از غنایم را برداشت نکرد و با وجود این که بر اساس آیه ۱ انفال، بخشی از غنایم بدر به عنوان خمس به پیامبر ﷺ تعلق می گرفت، ولی آن را برداشت نکرد.

هنگامی که آیه ۴۱ انفال نازل شد،^۳ آن حضرت در نخستین غنیمتی که پس از جنگ بدر به دست آمد، حضرت خمس غنایم را برداشت نمود^۴ و آن را در راستای مصالح جامعه اسلامی هزینه کرد.^۵ یکی از تکالیف شرعی واجب بر مسلمانان، خمس است که فریقین دیدگاه متفاوتی درباره آن دارند. اهل سنت، مصداق خمس را در آیه ۴۱ انفال در غنایم جنگی می دانند،^۶ ولی ائمه اطهار (علیهم السلام) افزون بر آن، خمس را بر تمام درآمد سالیانه واجب می دانند.^۷ پیامبر ﷺ به عنوان حاکم اسلامی به خمس، توجه ویژه ای داشت و بر همین اساس،

۱. واقدی، المغازی، ج ۱، ص ۹۸-۱۰۴.

۲. همان، ص ۱۰۱.

۳. «و بدانید آنچه را که سود می برید برای خدا است پنج یک آن و برای رسول و خویشاوند او و یتیمان و مسکینان و در راه ماندگان، اگر به خدا و آنچه را که در روز فرقان روزی که دو گروه یکدیگر را ملاقات کردند بر بندهمان نازل کردیم ایمان آورده اید، و خداوند بر هر چیز توانا است» (طباطبایی، تفسیر المیزان، ج ۹، ص ۱۱۶)

۴. واقدی، المغازی، ج ۱، ص ۹۸-۹۹.

۵. زمخشری، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل، ج ۲، ص ۲۲۱.

۶. رشید، رضا محمد، تفسیر القرآن الحکیم الشہیر بتفسیر المنار، ج ۱۰، ص ۳.

۷. مفید، المقنعه، ج ۱، ص ۲۷۶.

فرماندهان پیش از تقسیم غنایم، خمس اموال را جدا می‌کردند^۱ و در جهت مصالح جامعه هزینه می‌نمودند.

افزون بر آن پیامبر ﷺ حتی بر بازگرداندن جزئی‌ترین غنایم به بیت‌المال تأکید می‌کرد و هرگونه دخل و تصرف در اموال بیت‌المال را جرمی غیر قابل بخشش می‌دانست و تلاش می‌کرد تا آن اموال به هر میزانی که بوده است به بیت‌المال بازگردانده شوند. در همین خصوص در مقابل اصرار فردی که به غنیمت تعرض نموده بود و برخی از مسلمانان خواهان آمرزش گناهش شدند، فرمود:

درباره مجرمان چنین چیزی نخواهید.^۲

این برخورد قانونی سبب می‌شود تا کارگزارانی که قصد خیانت به اموال مسلمانان را دارند، آسوده خاطر نباشند و بر آن طمع نکنند و از سویی دیگر با ایجاد امنیت اقتصادی، آرامش روانی در جامعه حاکم شود. دنیاگرایی تدریجی و علقه‌های مادی، زمینه کم شدن روحیه مقاومت را در جنگ‌های احد (۵۰۳ق.)، خندق (۵۵ق.)، خیبر (۵۷ق.) و به‌ویژه حنین (۵۸ق.) مهیا کرد. بنابراین، هر اندازه که در زمان پیامبر ﷺ شوکت ظاهری اسلام بیشتر می‌شد، قوای روحی، درجه ایمان و فضایل اخلاقی عامه مسلمانان کاهش می‌یافت. این تأثیر، آن چنان محسوس بود که پس از جنگ بدر، این نقصان تا یک پنجم قبل از جنگ بدر رسید. هم‌چنان که آیات ۶۷ و ۶۸ انفال^۳ به این حقیقت اشاره می‌کنند^۴ که مهم‌ترین دلیل آن را باید در پدیده غنیمت‌گرایی و دنیاخواهی جست‌وجو کرد.

۱. ابن هشام، السیرة النبویة، ج ۱، ص ۶۰۳

۲. واقدی، المغازی، ج ۱، ص ۱۰۲.

۳. هیچ پیغمبر را نمی‌سزد و روا نیست که برایش اسیرانی باشد تا آن زمانی که (دینش) در زمین مستقر گردد، شما سود (مادی) دنیا را در نظر دارید (ولی) خدا آخرت را می‌خواهد و خداوند مقتدری است شایسته‌کار (۶۷). اگر آن قضایی که خداوند قبلاً رانده است نبود هر آینه در آنچه گرفتید عذاب بزرگی بشما می‌رسید (۶۸). (طباطبایی، تفسیر المیزان، ج ۹، ص ۱۷۶).

۴. بختیاری، «سنخ‌شناسی مشارکت اصحاب حاضر در جنگ احد براساس قرآن و منابع تاریخی»، ص ۶-۲۸.

موضوع اسیرگیری در راستای غنیمت‌گیری، قابل ارزیابی و تحلیل است. دقت در آیه ۶۷ انفال، گویای این حقیقت است که هدف برخی از مسلمانان در اسیر گرفتن، دریافت فدیة بود که قرآن کریم با سرزنش این فکر، آن را به عنوان بهره‌ای زود گذر، نهی کرد^۱ و آنان را در آیه ۶۸ مورد عتاب قرار داد.^۲ داده‌های تاریخی این موضوع را تأیید می‌کنند که در جنگ بدر، گروهی دشمن را تعقیب کردند و از آنان اسیر گرفتند تا فدیة دریافت نمایند.^۳ در صورتی که پیامبر ﷺ از گرفتن فدیة کراهت داشت؛^۴ زیرا طبق آیه ۶۷ انفال^۵، اسیرگیری برای هیچ پیامبری پیش از دست‌یابی به اقتدار سیاسی - اجتماعی جایز نیست.^۶

با نازل شدن آیه ۶۹ انفال^۷، فدیة گرفتن مباح شد. جبرئیل در روز بدر، آن حضرت را مخیر گردانید که اسیران را بکشد یا از ایشان فدیة بگیرد، ولی اگر فدیة گرفتند به شمار آنها از مسلمانان، شهید خواهد شد و مسلمانان به فدیة گرفتن با این شرایط رضایت

۱. جوادی آملی، تسنیم، ج ۳۳، ص ۷۵.

۲. طباطبایی، تفسیر المیزان، ج ۹، ص ۱۷۷.

۳. واقدی، مغازی، ج ۱، ص ۹۸.

۴. طبرسی، مجمع‌البیان، ج ۱۰، ص ۲۶۳.

۵. «هیچ پیغمبر را نمی‌سزد و روا نیست که برایش اسیرانی باشد تا آن زمانی که (دینش) در زمین مستقر گردد، شما سود (مادی) دنیا را در نظر دارید (ولی) خدا آخرت را می‌خواهد و خداوند مقتدری است شایسته‌کار» (طباطبایی، تفسیر المیزان، ج ۹، ص ۱۷۶).

۶. جوادی آملی، تسنیم، ج ۳۳، ص ۶۶.

۷. «پس بخورید (و تصرف کنید) در آنچه غنیمت برده‌اید حلال و طیب، و از خدا بپرهیزید که خدا آمرزنده رحیم است» (طباطبایی، تفسیر المیزان، ج ۹، ص ۱۷۶).

دادند.^۱ آیه ۱۶۵ آل عمران^۲ به این روحیه غنیمت‌خواهی اشاره می‌کند.^۳ طبری در این باره می‌نویسد:

آن‌گاه که غنیمت به مسلمانان روا شد در احد عقوبت کار خویش دیدند و هفتاد نفر از یاران حضرت کشته و هفتاد نفر اسیر شد.^۴

به‌طور کلی بر اساس کاربست رفتارشناسی، واکنش‌های رفتاری انصار و مهاجران در رویارویی با غنایم بدر به دلیل عدم آگاهی لازم از تکلیف بود و آن‌چه که مورخان در گزارش‌های تاریخی بیان می‌کنند، بر همین موضوع تأکید دارد. مبارزان بدر بر اساس فرضیات عصر جاهلی، غنایم را از آن خود می‌پنداشتند و به همین دلیل برای روشن شدن آن گفتند:

پیغمبر ﷺ مرجع علمی همه ماست و از او می‌پرسیم.^۵

محتوای آیه ۱ انفال، مؤید این فرض است. طبرسی درباره این آیه می‌نویسد:
وقتی این آیه نازل شد، مسلمانان فهمیدند که آن‌ها را در غنیمت حقی نیست. از این رو گفتند: یا رسول‌الله! ما مطیع هستیم. شما هر طور می‌خواهید، مصرف کنید.^۶

۱. واقدی، مغازی، ج ۱، ص ۱۰۷.
۲. «آیا هر گاه به شما مصیبتی رسد (در جنگ احد) در صورتی که دو برابر آن آسیب به دشمنان رسید (در جنگ بدر) باز از روی تعجب گوئید چرا به ما که اهل ایمانیم رنج رسد؟ بگو ای پیغمبر این مصیبت را از دست خود کشیدید که نافرمانی کردید، نه آن که خدا قادر بر نصرت شما نبود که ایزد متعال بر هر چیز توانا است» (طباطبایی، تفسیر المیزان، ج ۴، ص ۹۰).
۳. همان: ۱۷۱؛ جوادی آملی، تسنیم، ج ۱۶، ص ۲۳۵.
۴. طبری، تاریخ الطبری، ج ۲، ص ۴۷۵.
۵. واقدی، المغازی، ج ۱، ص ۹۸-۱۰۴؛ جوادی آملی، تسنیم، ج ۳۲، ص ۵۵.
۶. طبرسی، مجمع‌البیان، ج ۴، ص ۴۲۶.

از آن جا که سؤال از انفال با انگیزه شخصی و سود دنیایی همراه بود، اراده دنیا گاهی به صورت گردآوری غنیمت ظهور می کرد^۱ و پیامبر ﷺ با اقدامات تربیتی تلاش می نمود با روش های مختلف، این تمایل را تعدیل نماید. در خصوص رفتارشناسی منافقان در جنگ بدر، بیان این مقدمه ضروری است که در هنگام هجرت پیامبر ﷺ به مدینه، مردم مدینه می خواستند، عبدالله بن ابی (د. ۵۹.ق.) را به ریاست شهر منصوب کنند، ولی با ورود پیامبر ﷺ از دور او پراکنده شدند.^۲ این جریان سبب شد او کینه اسلام را در دل گیرد. بنابراین در ظاهر، اسلام آورد ولی در باطن منافق بود^۳ و سر دسته جریان نفاق گردید. این جریان در بدنه اجتماع مسلمانان رشد کرد و به جریانی سازمان یافته، تبدیل شد. ظهور و بروز این جریان در امور نظامی و سیاسی که موضوع غنیمت و غرامت را به همراه دارند، شفاف تر است.^۴ قرآن کریم در آیه ۱۴۱ سوره نساء در این باره می فرماید:

اگر خداوند متعال پیروزی را بهره امت اسلامی کرد و غنیمتی بردند،
داعیه دار اسلام اند و خود را در غنایم سهیم می دانند و چنانچه بر پایه قضا و قدر
الهی و برای آزمون، کافران در جنگ پیروز شدند و بهره بردند به آنها می-
گویند ما شما را حفظ کردیم و با گزارش اخبار جبهه اسلام به شما و بی اثر
کردن برنامه های مسلمانان، مانع فتح آنها شدیم، پس در پیروزی شما
سهیم داریم.^۵

ردپای آنان در بدر، چندان آشکار نیست.

۱. همان، ج ۱۶، ص ۵۹.

۲. ابن هشام، السیرة النبویة، ج ۱، ص ۵۸۴-۵۸۵.

۳. همان.

۴. جوادی آملی، تسنیم، ج ۳۴، ص ۱۸۶.

۵. همان.

۲-۲. رفتارشناسی مهاجران و انصار در رویارویی با غنایم احد

تمایل به پدیده دنیاگرایی در احد سبب سستی اراده و سرپیچی از فرمان‌های رسول خدا ﷺ شد. عبدالله بن جبیر، فرمانده پنجاه نفر از تیراندازان بود که در شکاف کوه احد مستقر شدند تا لشکر را از پشت سر محافظت کنند و به آن‌ها تأکید شد که در هیچ شرایطی از جای خود حرکت نکنند^۱ اما با وجود مخالفت ابن‌جبیر، بیشتر تیراندازان نافرمانی کردند و گفتند:

ما می‌ترسیم که رسول خدا ﷺ بگوید: هر کس چیزی برداشته از خود اوست

و غنایم را در میان سپاهیان تقسیم نکنند.^۲

درحقیقت جز طمع، دلیل دیگری برای اقدام آنان وجود نداشت؛ چراکه آیه ۱ انفال، تکلیف غنایم را مشخص کرده بود. وقتی پیامبر ﷺ از آنان توضیح خواست، پاسخ دادند که ما بقیه برادرانمان را در آن جا گذاشتیم، ولی پیامبر ﷺ به آنان فرمود:

خیر، شما گمان بردید که ما شما را فریب می‌دهیم و غنایم را تقسیم نمی‌کنیم.

آیه ۱۶۱ آل عمران به این امر اشاره دارد. طبرسی این آیه را درباره غنایم احد می‌داند که تیراندازان برای کسب غنیمت، سنگر را رها کردند.^۳ هم‌چنین، ثعالبی نزول این آیه را مربوط به ترس برخی از روش تقسیم غنایم احد می‌داند که پیامبر ﷺ دستور دهد، هر کس چیزی را که اخذ کرد از آن او است.^۴ البته، برخی آیه ۱۵۲ را مربوط به این واقعه می‌دانند.^۵ ره‌آورد طمع به این غنیمت، شکستی بود که نصیب مسلمانان شد.

۱. ابن‌هشام، السیرة النبویة، ج ۲، ص ۶۵-۶۶.

۲. بغوی، تفسیر بغوی، ج ۱، ص ۵۲۸-۵۲۹؛ عاملی، سیرت جاودانه، ج ۲، ص ۱۵۴-۱۵۵.

۳. طبرسی، تفسیر مجمع‌البیان، ج ۴، ص ۳۲۰.

۴. ثعالبی، تفسیر ثعالبی، ج ۲، ص ۱۳۴.

۵. عاملی، همان، ص ۱۵۵.

براساس کاربری رفتارشناسی، ضعف رفتار انصار و مهاجر در دفاع مقتدرانه پدافندی احد به جمع‌آوری غنایم در لحظه حساس لزوم دفاع مربوط می‌شود که به فرار از میدان جهاد منتهی شد. این‌گونه رفتارها، همگی از نفاق یا ضعف ایمان پدید می‌آید.^۱ در واقع، آنان با سرپیچی از دستور فرماندهی و به سبب تعلقات دنیا و ضعف اراده و ایمان، پیروزی را از دست دادند. به عبارتی دیگر، واکنش رفتاری منطبق با باورها از عوامل مهم و تعیین کننده شکست و پیروزی است. اگر تردیدی در باورها نباشد، پیروزی حاصل می‌شود، ولی اگر تردیدی در باورها به جهت آلودگی به غنیمت‌خواهی و دنیاگرایی ایجاد گردد، شکست را به همراه دارد. هم‌چنان که همین عوامل رفتاری، سرنوشت جنگ احد را رقم زد.

۲-۳. رفتارشناسی مهاجران و انصار در رویارویی با غنایم احزاب

جنگ احزاب، نمایشگاه رفتار گونه‌های متفاوت مسلمانان در رویارویی با شرایط دشوار برخورد با سپاه بزرگ قریش و متحدان یهودی آنان بود. اهمیت این موضوع آن‌قدر زیاد است که قرآن به شکلی روان‌کاوانه و با دقتی وسواس‌گونه رفتار مسلمانان را در این غزوه تبیین و تحلیل می‌نماید. این جنگ غنایمی در پی نداشت، اما به دلیل اهمیت موضوع به صورت فشرده به رفتارشناسی مسلمانان در این غزوه می‌پردازیم.

بر اساس گزارش‌های تاریخی و منابع تفسیری در جریان وقوع این جنگ، مسلمانان با توجه به نوع واکنش رفتاری به گونه‌های مؤمنان خالص، مسلمانان سست ایمان که شامل بیماردلان، ترسوها و بهانه‌جویان می‌شوند و منافقان که شامل شایعه‌پراکنان و معوقین (بازدارندگان) می‌گردند، تقسیم بندی می‌شوند. در ادامه با توجه به اهمیت نقش منافقان در این جنگ به رفتارشناسی منافقان در توزیع غنایم می‌پردازیم.

۱. جوادی آملی، تسنیم، ج ۱۶، ص ۲۳۵.

در احزاب، نفاق منافقان نمایان شد و مُعْتَب بن قشیر^۱ می‌گفت:

محمد به ما وعده می‌دهد که گنج‌های کسری و قیصر را می‌خوریم، اما به

قضای حاجت نمی‌توانیم، رفت.^۲

لازم به یادآوری است که به گواه قرآن و تاریخ، قدر و منزلت پیامبر اکرم ﷺ برتر از تعلق داشتن به مادیات است. غنیمت برای نومسلمانانی که مفهوم رسالت را به‌درستی درک نکرده بودند، یکی از انگیزه‌های شرکت در جهاد بود و آن حضرت به روحیه غنیمت‌طلبی اعراب به عنوان یک فرصت نگاه می‌کرد و از آن بهره می‌برد. مصداق این امر در جریان جنگ بدر مشاهده می‌شود که پیامبر ﷺ فرمود:

این کاروان قریش است که اموال ایشان در آن است، شاید خداوند غنیمتی

به شما ارزانی فرماید.^۳

منافقان به طمع غنیمت، سپاه اسلام را در این جنگ همراهی کردند و با سخنان خود، ترس و یأس را به قلب جامعه مدنی تزریق می‌کردند، اما نه آیات قرآنی و نه منابع تاریخی، صدای اعتراض جمعی مسلمانان را ثبت نکرده‌اند. با این حال از این زمان به بعد با افزایش جمعیت گروه نفاق، شاهد برخی از صحنه‌های اعتراضات جمعی در هنگام تقسیم غنایم به ویژه در جنگ حنین و طائف هستیم^۴ که در ادامه خواهد آمد.

۳. رفتارشناسی مهاجران، انصار در توزیع غنایم جنگ‌های تنبیهی با ناکثین

عامل برخی از جنگ‌های پیامبر ﷺ پیمان‌شکنی یهودیانی بود که با آن حضرت معاهده داشتند. بنابراین، ضرورت ایجاب می‌کرد که پاسخی قاطع به آنان داده شود.

۱. تاریخ درگذشت نامبرده مشخص نیست.

۲. طبری، تاریخ الطبری، ج ۲، ص ۵۷۲

۳. واقدی، المغازی، ج ۱، ص ۲۰.

۴. همان، ج ۳، ص ۵۵۷-۵۵۸.

۳-۱. رفتارشناسی مهاجران و انصار در توزیع غنایم بنی‌نضیر

در غزوه بنی‌نضیر بدون درگیری نظامی، ثروت زیادی باقی ماند که ماجرای آن در سوره حشر بیان گردیده است. به همین سبب بر اساس برخی گزارش‌ها، سوره حشر را سوره بنی‌نضیر می‌نامند.^۱ بر اساس آیه ۶ سوره حشر^۲ این غنایم فیء، محسوب می‌شدند و به پیامبر ﷺ تعلق داشتند. آن حضرت در هنگام تقسیم غنایم با توجه به وضعیت نامناسب مالی مهاجران و براساس حکم آیه ۸ سوره حشر^۳ عمل نمود. این آیه زمانی نازل شد که عده‌ای می‌گفتند که آیا آن را تقسیم نمی‌کنید؟^۴ واقدی (د. ۵۲۰۷.ق.) در این باره می‌نویسد:

چون پیامبر ﷺ اموال بنی‌نضیر را غنیمت گرفت به انصار پیشنهاد کرد: اگر دوست داشته باشید، این غنایم را میان شما و مهاجران تقسیم می‌کنم و هم‌چنان در خانه‌های شما باشند و از اموال شما بهره‌مند گردند و یا بین مهاجران توزیع نمایم و از خانه‌های شما بروند.^۵

۱. ابن‌کثیر، تفسیر قرآن العظیم، ج ۴، ص ۷۵.

۲. «خدا هر غنیمتی از آنان به رسول خود رسانید بدون جنگ شما رسانید شما بر اموال آنان هیچ اسب و شتری نتاختید لیکن این خدا است که رسولان خود را بر هر کس که خواهد مسلط می‌کند که او بر هر چیزی قادر است» (طباطبایی، ج ۱۹، ص ۳۴۷).

۳. «از غنائم سهمی برای فقرا مهاجرین است، آنان که به دست دشمن از اموال و خانه‌های خود بیرون شدند، و به امید رسیدن به فضل و رضوان خدا ترک وطن کردند و همواره خدا و رسولش را یاری می‌دهند اینان همان صادقانند» (همان).

۴. طبرسی، مجمع‌البیان، ج ۲۴، ص ۳۲۰.

۵. واقدی، المغازی، ج ۱، ص ۳۷۹.

انصار نه تنها با این پیشنهاد پیامبر ﷺ مخالفت نکردند، بلکه همگی خشنود هم شدند. سپس پیامبر ﷺ، آن اموال را میان مهاجران تقسیم فرمود و به کسی از انصار به جز دو نفر که نیازمند بودند، چیزی عنایت نکرد.^۱ روش پیامبر ﷺ در غزوه بنی نضیر با روش قبلی که مبتنی بر مساوات بود، نوعی تضاد ظاهری داشت؛ چرا که آن حضرت می‌خواست با تقسیم فیء، راه عدالت اقتصادی را هموار سازد و نوعی هم‌گونی مالی در جامعه اسلامی ایجاد نماید و اگر همان شیوه مساوات استمرار داشت، شکاف مالی میان انصار و مهاجران از بین نمی‌رفت. خداوند متعال در آیه ۷ حشر به این مطالب تأکید دارد و می‌فرماید:

آنچه خدا از اموال اهل قری به رسول خود برگردانید، از آن خدا و رسول او و از آن خویشان رسول و فقیران و مسکینان و درماندگان در راه است تا اموال بین توان‌گران دست به دست نچرخد.^۲

این آیه تأکید دارد که گردش ثروت باید میان همه افراد جامعه اسلامی باشد و از جمع ثروت در میان اغنیا انتقاد می‌نماید. پیامبر ﷺ بر مبنای همین دیدگاه به توزیع غنائم اقدام کرد. در این آیه، خداوند سبحان می‌خواهد صحابه را هشدار دهد تا در آینده آنچه را که پیامبر ﷺ از فیء به آنان می‌دهد، بگیرند و از آنچه نداد و از آن نهی فرمود، دست بردارند و مطالبه نکنند و هرگز پیشنهاد نکنند که همه فیء را در بین تمام مؤمنان تقسیم نماید.^۳ این هشدارهای قرآن به غزوات ممانعت‌کننده بعد از فتح مکه اشاره دارد که انصار را در جمع معترضان به توزیع غنائم قرار داد، اما در این غزوه هم چنان که اشاره شد، رفتار انصار ستوده شده است و این تبعیت‌پذیری ریشه در دل‌بستگی شدید انصار به پیامبر ﷺ و مکتب اسلام دارد که تا فتح مکه در صحنه‌های مختلف بروز داشت.

۱. همان؛ یعقوبی، تاریخ‌الیعقوبی، ج ۲، ص ۴۹.

۲. طباطبایی، تفسیر المیزان، ج ۱۹، ص ۳۴۸.

۳. همان، ۳۵۳.

۲-۳. رفتارشناسی مهاجران و انصار در توزیع غنایم بنی قریظه

طبرسی (د. ۵۴۸.ق.) در تفسیر آیات ۲۶-۲۷ سوره احزاب از قول زهری (د. ۱۲۴.ق.) می‌نویسد:

وقتی یهودیان بنی قریظه از پیامبر ﷺ خواستند، مردی درباره آن‌ها قضاوت کند، فرمود: هر کس که از اصحابم خواستید، انتخاب نمایید. پس ایشان، سعد بن معاذ (د. ۵۵.ق.) را برگزیدند. او حکم کرد که مردان رزمنده آن‌ها را بکشند و زنان و کودکان آن‌ها را اسیر نمایند و اموال آن‌ها را تقسیم و اراضی و منازلشان مخصوص مهاجران باشد (و چون انصار ناراحت شدند) فرمود: شما صاحب منزل و زمین هستید ولی مهاجران از خود سکنایی ندارند. پس حضرت به سعد فرمود: درباره آن‌ها حکم کردی به حکم خدای عزوجل.^۱

پیشنهاد سعد (د. ۵۵.ق.) در تقسیم زمین و خانه‌های بنی قریظه تنها در بین مهاجران، بر مبنای سیره پیامبر ﷺ در غزوه بنی نضیر بود که حضرت برای کم کردن شکاف مالی بین مهاجر و انصار، این راه را برگزیدند. پیامبر ﷺ خمس را برداشت و اموال، زنان و فرزندان بنی قریظه را تقسیم کرد. سوارکار سه سهم گرفت، دو سهم برای اسب و یکی برای مرد و مرد بی اسب، یک سهم گرفت. در جنگ بنی قریظه، سی و شش اسب بود و نخستین غنیمتی بود که مطابق سهم تقسیم شد و خمس آن گرفته شد و در جنگ‌های دیگر، مطابق آن رفتار شد.^۲

جزئیات جنگ بنی قریظه، مانند تعداد مردان جنگی یا کسانی که فرمان قتل را اجرا کردند، مورد اختلاف مورخان است، اما اصل قضیه از قدیم در میان مورخان، مشهور و

۱. طبرسی، مجمع‌البیان، ج ۲۰، ص ۸۷؛ سیوطی، الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور، ج ۵، ص ۱۹۳.

۲. طبری، تاریخ الطبری، ج ۲، ص ۵۹۱-۵۹۲.

مسلم بوده است. بعضی از نویسندگان اروپایی، رفتار با بنی قریظه را غیر انسانی می‌دانند و آن را مورد انتقاد قرار می‌دهند^۱ و برخی از محققان معاصر، مجازات بنی قریظه را منکر می‌شوند و با استناد به پاره‌ای دلایل و قراین، چنین مجازات سختی را از طرف پیامبر ﷺ بعید می‌دانند.^۲

با این حال، براساس آیه ۲۶ سوره احزاب، اصل حادثه وقوع یافته است و حکمیت سعد بن معاذ (د. ۵ ه.ق.) از سوی بنی قریظه پذیرفته شده است و وی منطبق با دستور تورات حکم کرده است.^۳ به همین سبب، پیامبر ﷺ خطاب به سعد بن معاذ فرمود:

درباره آن‌ها براساس حکم خدای عزوجل، حکم کردی.^۴

براساس کاربست رفتارشناسی، رفتار انصار و مهاجر در توزیع غنایم بنی قریظه مورد تأیید پیامبر ﷺ واقع شده است. عدم وجود نارضایتی به‌ویژه در بین انصار از شیوه توزیع غنایم، گویای این فرض است.

۳-۳. رفتارشناسی مهاجران و انصار در توزیع غنایم خیبر

آیه ۱۵ سوره فتح^۵ خبر از وقوع این حادثه می‌دهد که مؤمنان به زودی جنگی می‌کنند و غنیمت‌هایی به دست می‌آورند. خدای تعالی آن غنایم را به کسانی اختصاص داد

۱. مونتگمری وات، محمد فی‌المدینه، ص ۳۲۷.
۲. زرگری نژاد، تاریخ صدر اسلام، ص ۴۶۰.
۳. پیشوایی، تاریخ اسلام، ۲۵۹-۲۶۱.
۴. طبرسی، مجمع‌البیان، ج ۲۰، ص ۸۷؛ سیوطی، الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور، ج ۵، ص ۱۹۳.
۵. «به زودی آنهایی که از شرکت در جهاد تخلف کردند وقتی که می‌روید که غنیمت‌های جنگی را بگیرید خواهند گفت بگذارید ما هم با شما بیاییم. اینان می‌خواهند کلام خدای را مبدل نمایند. بگو: نه، شما هرگز ما را پیروی نمی‌کنید و این را خدای تعالی قبلاً به من خبر داده. وقتی این را بشنوند خواهند گفت: شما به ما حسد می‌ورزید ولی باید بدانند که جز اندکی فهم ندارند» (طباطبایی، تفسیر المیزان، ج ۱۸، ص ۴۱۴).

که در سفر حدیبیه، همراه پیامبر ﷺ بودند و غیر آنان را شرکت نداد.^۱ بدین ترتب، غنایم آن به اهل حدیبیه تعلق گرفت.^۲ برخی در جریان حدیبیه که امکان غنیمت‌گیری نبود و خطرپذیری آن بیشتر بود از همراهی با پیامبر ﷺ تخلف کردند، ولی در خیبر که سرشار از منافع مادی بود، با آن حضرت همراه شدند. بنابراین، پیامبر ﷺ به مردم فرمودند:

تنها کسانی که نیت غنیمت ندارند و قصد جهاد دارند، شرکت نمایند.^۳

در حقیقت پیامبر ﷺ قصد داشت از سویی با تنبیه مالی مشتاقان غنیمت، اخلاص را در ضمیر آنان تثبیت نماید و از دیگر سو با اختصاص دادن غنایم خیبر به مجاهدان صلح حدیبیه، ایثار و اخلاص آنان را جبران کند.

خیبر مرکب از قلعه‌های منفصلی بود که روی هم رفته به سه قسمت شق، نطاه و کتیبه تقسیم می‌شدند. پیامبر ﷺ غنائم شق و نطا را میان مسلمانان تقسیم کرد. آنچه از کتیبه به دست آمد، متعلق به خدا، رسول او، ذوی‌القربی، ایتام، مساکین، همسران حضرت و آن دسته از مردمی بود که برای قرار داد صلح میان اهل فدک و پیامبر ﷺ رفت و آمد می‌کردند.^۴

گنجینه آل‌ابی‌الحق یکی از دیگر غنایم خیبر بود که در عروسی‌های مکه کرایه داده می‌شد.^۵ این گنجینه به پیامبر ﷺ رسید و ایشان، آن را به امر الهی در بین مسلمانان

۱. طباطبایی، تفسیر المیزان، ج ۱۸، ص ۴۱۸.

۲. ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، ج ۲، ص ۲۲۴.

۳. واقدی، المغازی، ج ۲، ص ۶۳۴.

۴. طبری، مجمع‌البیان، ج ۳، ص ۱۹؛ ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، ج ۲، ص ۲۲۴.

۵. واقدی، المغازی، ج ۲، ص ۶۷۱.

۶. همان، ص ۶۷۲.

تقسیم نمود. وقتی خبر این گنجینه‌ها به همسران حضرت رسید آن را مطالبه کردند^۱ که در پی آن، پیامبر ﷺ مدتی از آنان کناره‌گیری کرد تا این که آیات ۲۸ الی ۳۱ احزاب نازل شد.^۲ از مجموع شرح نزول‌ها استفاده می‌شود که همسران پیامبر ﷺ بعد از پاره‌ای از غزوات، تقاضای افزایش نفقه یا لوازم گوناگون زندگی را داشتند و حضرت یک ماه از آن‌ها کناره‌گیری نمود تا این که آیات تخییر نازل شد و با لحن قاطع و در عین حال، توأم با رأفت و رحمت به آن‌ها هشدار داد که اگر زندگی پر زرق و برق دنیا می‌خواهید، می‌توانید از ایشان جدا شوید.^۳

۴. رفتارشناسی صحابه در توزیع غنایم جنگ‌های ممانعت‌کننده

برخی از جنگ‌های پیامبر ﷺ برای پیش‌گیری بود و از آن جا که برخی قبایل، خود را آماده نبرد با آن حضرت کرده بودند، ایشان پیش‌دستی کرد و با آنان وارد جنگ شدند و غنایمی باقی ماند.

۴-۱. رفتارشناسی مهاجران، انصار و منافقان در توزیع غنایم جنگ بنی‌مصطلق

یکی از نمونه‌های ستودنی رفتار انصار و مهاجران در رویارویی با غنایم، عملکرد آنان در غزوه بنی‌مصطلق است. ابن اسحاق (د. ۱۵۰ ه.ق.) در این باره می‌گوید:

خبر رسید، بنی‌مصطلق به سالاری حارث بن ابی‌ضرار، آماده جنگ شده است. بنابراین پیامبر ﷺ پیش‌دستی کرد و با آن‌ها در مریسعیج رو به‌رو شد.

بنی‌مصطلق شکست خوردند و فرزندان و اموالشان به غنیمت گرفته شد.^۴

۱. قمی، تفسیر التمی، ج ۲، ص ۱۹۲.

۲. طباطبایی، تفسیر المیزان، ج ۱۶، ص ۵۶.

۳. مکارم‌شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱۷، ص ۲۷۸.

۴. طبری، تاریخ الطبری، ج ۲، ص ۶۰۴.

پس از تقسیم غنایم و اسرا، پیامبر ﷺ با جویریة دختر حارث، رئیس قبیله که در بین اسرا بود، ازدواج کرد. با انتشار خبر این ازدواج با آن که مردان بنی مصطلق به عنوان اسیر و زنان ایشان برای کنیزی دستگیر شده بودند، مسلمانان گفتند که اکنون، آنان خویشاوندان رسول خدا هستند و تمام اسرا را آزاد کردند.^۱

این عملکرد مسلمانان به لحاظ رفتارشناسی، امری قابل بررسی است. درست است که گاه، باورهای دینی و ارزش‌های جاهلی مسلمانان به دلایل مختلفی مانند دوستی دنیا، عادت به سنن گذشته و یا به جهت تحریک منافقان در تقابل با یکدیگر قرار می‌گرفتند و ناآرامی بزرگ در عمق جان آنان و رفتاری ناشایست را پدید می‌آوردند، اما رفتار آنان در رویارویی با غنایم بنی مصطلق که حق شرعی آنان محسوب می‌گردید، نشانه اوج احترام ایشان به شخص پیامبر ﷺ و علاقه فراوان به آن حضرت بود. عملی که به صورت خودجوش صورت گرفت و گویای دگرگونی‌های ارزشمند راه یافته در باورها و اندیشه‌های آنان بود.

رفتارشناسی منافقان در جنگ بنی مصطلق، اهمیت بسیار دارد. آنان همواره تحریک‌گر بودند و اگر در جنگ حضور می‌یافتند به دلیل کسب غنایم بود. در این جنگ، گروه زیادی از منافقان که هرگز در جنگ‌های دیگر همراهی نکرده بودند و رغبتی به جهاد نداشتند، فقط به دلیل نزدیکی محل جنگ و برای رسیدن به مال دنیا با آن حضرت بیرون آمدند^۲ و پس از پایان آن، سهم خویش را دریافت کردند. صدای اعتراضی از آنان در هنگام توزیع غنایم شنیده نشد، اما به شکل دیگری در مسیر برگشت به تخریب چهره پیامبر ﷺ و ایجاد بحران و ناآرامی میان انصار و مهاجران پرداختند که سوره منافقون و آیات ۱۱-۲۶ سوره نور به این رفتارها اشاره دارد.

۱. واقدی، المغازی، ج ۱، ص ۴۱۱.

۲. همان، ص ۴۰۵.

شاید بتوان، یکی از دلایل این رفتارها را مربوط به ماجرای رفتار تحسین برانگیز مسلمانان در موضوع آزادی اسرای بنی‌مصلق دانست؛ زیرا مال خود را ارزان از دست دادند. آنان با نشر شایعات و دروغ، سعی در شبیه افکنی در باورهای مسلمانان داشتند و از این پس، چهره نفاق آن‌ها در شکل طمع در غنایم جنگی و طعن به پیامبر ﷺ در هنگام توزیع غنایم ظاهر شد.

۴-۲. رفتارشناسی مهاجران، انصار، منافقان و نومسلمانان در توزیع غنایم حنین و طائف
باتوجه به اهمیت رفتارشناسی مهاجران، انصار، منافقان و نومسلمانان در دو جنگ حنین و طائف، رفتار آنان در دو گروه جداگانه طبقه بندی و بررسی می‌گردد.

۴-۲-۱. رفتارشناسی مهاجران و انصار در توزیع غنایم حنین و طائف
در منابع تاریخی و آیات قرآنی به اعتراض مهاجران به توزیع غنایم این دو جنگ، اشاره‌ای نشده است. در حالی که گزارش‌های تاریخی، اعتراض جمعی انصار را در این خصوص نشان می‌دهند. پیامبر ﷺ به هنگام تقسیم غنایم، چنان عدالتی داشت که سوزنی را از کنار شتری برداشت و فرمود:

به غیر از خمس، حتی این سوزن و نظایر آن بر من حرام است، و خمس هم

که در عمل به مصرف خود شما می‌رسد.^۱

منابع تاریخی درباره ادامه این ماجرا می‌نویسند:

در این هنگام، یکی از انصار، گلوله‌ای نخ مویین آورد و گفت: این گلوله نخ

را گرفتم که پالان شترم را اصلاح کنم، پیامبر ﷺ فرمود: آنچه سهم من است از

آن تو باشد، انصاری گفت: اگر چنین است، بدان نیاز ندارم و انداخت.^۲

۱. واقدی، المغازی، ج ۳، ص ۹۴۳.

۲. طبری، تاریخ الطبری، ج ۳، ص ۹۰.

وسعت فاجعه که حکایت از درهم‌ریختگی میان مسلمانان و دل‌بستگی آنان به دنیا داشت، زمانی بود که انصار، همان یاران دیرین پیامبر ﷺ که در غزوه بنی‌نضیر از روش تقسیم آن حضرت خوشحال بودند و آیه ۹ سوره مبارکه حشر^۱ در وصف آنان نازل شد^۲ از دریافت نکردن غنایم آزرده خاطر شدند و بگو مگو زیاد شد تا آن‌جا که یکی گفت:

به هنگام جنگ، ما و یارانش تحمل سختی‌ها را می‌کنیم و به هنگام تقسیم غنایم، قوم و خویش‌های پیامبر ﷺ بهره می‌برند، دوست داریم بفهمیم این دستور از کیست؟ اگر فرمان الهی است صبر می‌کنیم و اگر کار پیامبر باشد سخت خواهیم گرفت.

حتی سعد بن عبادہ (د. ۵۱۵.ق.) گفت:

ای رسول خدا! من هم یکی از قوم خود هستم و دوست می‌داریم بدانیم این

دستور از ناحیه کیست؟^۳

دلایل اعتراضات انصار به شیوه توزیع غنائم پیامبر ﷺ در این دوره را می‌توان در نگرانی انصار نسبت به آینده سیاسی خود، اعطای امتیازات ویژه به بزرگان قریش پس از فتح مکه و تأثیرپذیری از نافرمانی‌های مکرر بزرگان مهاجر از دستور آن حضرت و اعتراض جمعی منافقان در هنگام تقسیم غنایم خلاصه کرد.

۱. و نیز سهمی از آن غنائم از آن کسانی از اهل مدینه است که در مدینه و در قلعه ایمان جای دارند و قبل از مهاجرین ایمان آورده بودند و هر مؤمنی را که از دیار شرک به سویشان هجرت می‌کند دوست می‌دارند و وقتی اسلام به آنان چیزی می‌دهد در دل خود نیازی به آنچه به مهاجران داده شده احساس نمی‌کنند و مهاجرین را بر خود مقدم می‌دارند هر چند که خود محتاج باشند. و کسانی که بخل درونی خود را به توفیق خدای تعالی جلو می‌گیرند رستگارانند.

۲. طبری، جامع البیان فی تفسیر القرآن الکریم، ج ۲۸، ص ۲۸.

۳. واقدی، المغازی، ج ۳، ص ۹۵۶-۹۵۷.

الف. نگرانی انصار نسبت به آینده سیاسی خود

بر اساس گزارش منابع تاریخی از ابتدای بیعت عقبه، انصار نگرانی‌هایی در رابطه با آینده سیاسی خویش در مدینه با توجه به رقابت‌ها و کینه‌های دیرینه آنان (قحطانی‌ها) و مهاجران (عدنایی‌ها) داشتند.^۱ بر اساس گزارش ابن هشام (د. ۵۲۱۸.ق)، انصار خطاب به پیامبر ﷺ گفتند:

ای رسول خدا! چنان نباشد که ما پیمان‌های خود را با یهود قطع کنیم و شما نیز چون بر دشمنان خود پیروز شدی، ما را رها کرده، دوباره به سوی قوم خود باز گردی؟^۲

با هجرت مهاجران به مدینه، نگرانی‌های انصار از شدت بیشتری برخوردار شد. یکی از جولانگاه‌های نمایش این کینه‌ها و رقابت‌ها، رفتار سعدبن عباد (د. ۵۱۵.ق) در ماجرای فتح مکه بود که می‌گفت:

امروز روز جنگ است، امروز حرام‌ها حلال می‌شود.^۳

ب. اعطای امتیازات ویژه به بزرگان قریش پس از فتح مکه

پیامبر ﷺ امتیازات ویژه‌ای براساس مؤلفه القلوب به بزرگان قریش عطا نمود که این عامل، فرضیه ذهنی آنان را تقویت کرد که حضرت با اسلام آوردن قریش به اقوام خویش روی آورده است. این برداشت را از سخنان انصار با پیامبر ﷺ در جریان تقسیم غنایم حنین می‌توان دریافت.^۴

۱. طبری، تاریخ طبری، ج ۲، ص ۳۶۳؛ ابن هشام، السیرة النبویة، ج ۱، ص ۴۴۲

۲. ابن هشام، السیرة النبویة، ج ۱، ص ۴۴۲

۳. اربلی، کشف الغمة فی معرفة الائمة، ج ۱، ص ۲۲۰.

۴. ابن هشام، السیرة النبویة، ج ۲، ص ۴۹۸-۴۹۹.

ج. تأثیرپذیری از نافرمانی‌های مکرر بزرگان مهاجر از دستور آن حضرت و اعتراض جمعی

منافقان در هنگام تقسیم غنایم

این اعتراضات در ناخواگاه ذهن انصار تأثیرگذار بود.

۴-۲. رفتارشناسی منافقان و نومسلمانان در توزیع غنایم حنین و طائف

ممانعت از بهبود وضعیت اقتصادی مسلمانان، یکی از اقدامات جریان نفاق علیه مسلمانان بود. در پی شکست این پروژه^۱، اعتراض منافقان متوجه شیوه توزیع ثروت استحصالی جامعه و به‌طور مشخص در موضوع توزیع غنایم گردید.^۲ شوکت منافقان پس از جنگ بنی‌مصطلق و با قطع حلقه ارتباطی یهودیان شکسته شد، ولی جوانه‌های نفاق در مکه شروع به رستن کرد. از این‌رو، پس از فتح مکه با افزایش جمعیت نومسلمانان، شاهد رشد کمی منافقان در جامعه اسلامی مدینه هستیم. هم‌چنین در جریان فتح مکه پیامبر ﷺ، اهل مکه و بزرگان قریش را بخشید که این گروه‌های تازه نفس را طلاقا گویند.^۳ پیامبر ﷺ در مکه در باره آن‌ها فرمود:

ای گروه قریشیان! چندان مدتی نگذرد که نا به دل خواه پیرو دین خدا

شوید.^۴

۱. منافقان مسلمانانی را که با وجود محدودیت‌های اقتصادی، اینار کرده و صدقه می‌دادند به سخره گرفته و آنها را متهم به خودنمایی می‌کردند تا از انجام این تکلیف بازدارند (ابن‌هشام، السیرة النبویة، ج ۴، ص ۹۷۸).

۲. مهدوی‌دامغانی، «پیامبر(ص) و جریان نفاق»، فصلنامه مطالعات تاریخی جهان اسلام، ش ۱، ص ۱۳۴-۱۵۱.

۳. طبری، تاریخ الطبری، ج ۳، ص ۶۱.

۴. همان، ج ۲، ص ۳۴۸.

از آن پس، پایه تشکیلات سری منافقان مستحکم گردید. قرآن کریم در آیه ۸۱ سوره نساء از توطئه آنان پرده برمی‌دارد و اعلام می‌کند:

چون از محضر رسول خدا ﷺ بیرون می‌روند به بیتوته می‌پردازند.

یعنی در زمانی مناسب و در مکانی آرام، گرد هم می‌آیند تا آسوده بیندیشند و نقشه بکشند. عنوان تبییّت و توطئه‌گری منافقان در آیه ۱۰۸، همان سوره بیان شده است و از همراهی و احاطه خدا بر سخنان سرّی شبانه آنان خبر می‌دهد.^۱ طرح ترور آن حضرت در عقبه^۲ و افزایش فعالیت سرّی آنان پس از ماجرای غدیر، دلیل دیگری بر این مدعا است. با اسلام قریش، قبایل زیادی از اطراف مکه به صورت قبیله‌ای مسلمان شدند. این گروه، درک درستی از مفهوم رسالت نداشتند و با روحیه غنیمت‌طلبی در جهاد شرکت می‌جستند و در هنگام تقسیم غنایم، رفتارهایی داشتند که به جاهلیت باز می‌گردید. به طوری که این زوایای ضعف رفتاری با فراوانی ورود غنایم در اواخر دوره مدنی، نمود بیشتری پیدا کرد. این ضعف رفتاری در تقسیم غنایم حنین بروز کرد و تجلی آن به صورت اعتراض جمعی بود و جنبه عمومی یافت.

آیه ۵۸ توبه به عیب‌جویی منافقان در امر تقسیم صدقات به دست پیامبر ﷺ اشاره دارد.^۳ امام صادق (علیه السلام) در همین زمینه می‌فرماید:

بیش از دو ثلث مردم، اهل این آیه هستند.^۴

۱. جوادی آملی، تسنیم، ج ۲۰، ص ۳۶۳

۲. مسعودی، التنبیه والاشراف، ص ۲۳۶؛ واقدی، ۱۹۸۹/۱۴۰۹: ۱۰۴۲/۳-۱۰۴۳

۳. طباطبایی، تفسیر المیزان، ج ۹، ص ۴۱۵؛ طبری، مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن‌الکبیر، ج ۱۰،

ص ۱۰۹.

۴. طبرسی، مجمع‌البیان، ج ۱۱، ص ۱۲۸.

این حدیث نشان از فراوانی جمعیت منافقان در جنگ حنین دارد که بیشتر آنان از نومسلمانان بودند. اینان به دلیل نفاق در فرصت‌های مقتضی، آنچه را که در دل نهان داشتند بر زبان جاری می‌ساختند.^۱ از آنجایی که یکی از سیاست‌های پیامبر ﷺ بهره‌گیری ابزاری از غنایم جنگی برای استحکام پایه‌های اسلام و ایجاد الفت در قلوب نومسلمانان بود، آن حضرت بخشی از غنایم حنین را به تازه مسلمانان بخشید.

آن حضرت به ابوسفیان صد شتر و هم‌چنین به پسرش، معاویه صد شتر داد.^۲ در همین هنگام، نمایندگان هوازن به حضور پیامبر ﷺ آمدند و تقاضا کردند که بی‌دریافت فدیه، اسیران را آزاد نماید. پیامبر ﷺ سهم خود و خاندان عبدالمطلب را بخشید، مهاجران و انصار هم آن را در اختیار حضرت قرار دادند، اما برخی مخالفت کردند.^۳ وقتی اسیران حنین به صاحبانشان پس داده شدند و نوبت تقسیم غنایم شد، نومسلمانان به سوی پیامبر ﷺ هجوم آوردند و ردای ایشان به شاخه درختی گیر کرد و فرمود:

مردم ردای مرا بدهید که به خدا سوگند! اگر به شماره درختان تهمامه شتر و

گوسفند داشته باشید، آن‌ها را میان شما تقسیم خواهم کرد.^۴

ریشه رفتارهای منافقان و تازه مسلمانان را باید در آیه ۵۸ سوره مبارکه توبه جست‌وجو کرد که بر اساس آن مشخص می‌شود که اگر هنگام تقسیم غنایم، چیزی به آن‌ها می‌رسید، ساکت بودند و گرنه به سرعت آرام و قرار از دست می‌دادند و به ساحت مقدس

۱. طبری، تاریخ الطبری، ج ۳، ص ۷۴.

۲. همان، ص ۸۹؛ ابن سعد، الطبقات الکبری، ج ۲، ص ۱۱۶.

۳. طبری، تاریخ الطبری، ج ۳، ص ۸۹.

۴. ابن هشام، السیرة النبویة، ج ۲، ص ۴۹۲.

پیامبر ﷺ اهانت می‌کردند.^۱ در واقع، منشأ این پدیده شوم سیاسی - اجتماعی، دوستی دنیا و انحراف اخلاقی و معرفتی بود.^۲

بر این اساس، آنان به روش تقسیم غنایم به وسیله پیامبر ﷺ عیب می‌گرفتند و اعتراض می‌کردند که چرا پیامبر ﷺ عدالت را رعایت نکرد و غنایم این‌گونه تقسیم شدند؟^۳ دلیل دیگر رفتارهای نابهنجار نومسلمانان را باید در تسلیم گروهی قبایل پس از فتح مکه دانست؛ زیرا فرصت لازم برای درونی‌سازی اسلام سیاسی مهیا نگردید و نیاز به تربیت و گذر زمان داشت تا به اسلام عقیدتی مبدل شود. آیه ۱۴ سوره مبارکه حجرات^۴ به همین مطلب اشاره دارد.

تأثیرات منفی این رفتارها در هنگام تجهیز سپاه اسلام در غزوه تبوک به روشنی مشاهده می‌شود. دشواری این جنگ و تجهیز سپاه به حدی بود که بلاذری (د. ۲۷۹ ه. ق.) این سپاه را جیش العسر می‌خواند.^۵ در این نبرد در کنار جریان نفاق، جماعتی عافیت طلب دیده می‌شوند که گرما، محصول و سختی راه، آنان را از حرکت باز داشت. عافیت طلبانی که بیشتر سپاه پیامبر ﷺ را تشکیل می‌دادند و می‌دانستند که این جنگ، غنیمتی نقد و آسان به همراه ندارد و این عامل بر میزان سستی آنان می‌افزود.^۶

۱. جوادی آملی، تسنیم، ج ۳۴، ص ۲۶۵.

۲. همان، ص ۲۷۴.

۳. ابن هشام، السیرة النبویة، ج ۲، ص ۴۹۶.

۴. اعراب بادیه‌نشین به تو گفتند ایمان آوردیم. بگو: نه، هنوز ایمان نیاورده‌اید و باید بگویید اسلام آوردیم چون هنوز ایمان در دلهای شما داخل نشده و اگر خدا و رسول را اطاعت کنید خدا از پاداش اعمالتان چیزی کم نمی‌کند که خدا آمرزگار رحیم است (طباطبایی، تفسیر المیزان، ج ۱۸، ص ۴۸۰).

۵. بلاذری، انساب الاشراف، ج ۱، ص ۳۶۸.

۶. طبری، جامع البیان فی تفسیر القرآن الکریم، ج ۱۰، ص ۹۹.

۵. نتیجه

در این پژوهش رفتار انصار، مهاجران و منافقان در توزیع غنایم عصر نبوی با استفاده از آیات قرآنی و منابع تاریخی بررسی گردید و دلایل بروز رفتارهای ایشان، تحلیل و تبیین شد. شیوه توزیع غنایم در این عصر بر اساس آموزه‌های دینی و مصالح عمومی جامعه اسلامی و متفاوت با روش‌های عصر جاهلی بود. واکنش رفتاری گروه‌های مختلف به روش توزیع غنایم به دلایل گوناگونی، ناهم‌گون بود که این امر، ریشه در مسائل سیاسی و نوع تفکر و باورهای آنان نسبت به آموزه‌های دینی و جاهلی داشت.

پیامبر ﷺ غنایم جنگ‌های تنبیهی با ناکثین بنی‌نضیر، بنی‌قریظه و خیبر را در راستای تحقق عدالت اقتصادی بین مهاجران و معدودی از انصار نیازمند تقسیم کرد. در منابع تاریخی، گزارشی از اعتراض به روش توزیع غنایم دیده نمی‌شود. سهم بیشتر بزرگان قریش از غنایم حنین با هدف تألیف قلوب با اعتراضی از جانب مهاجران مواجه نشد؛ زیرا این امر بستر مناسبی برای معاشرت دوباره آنان با یکدیگر فراهم می‌کرد.

در جنگ‌های مقابله با ناکثین، روش توزیع غنایم با رضایت انصار همراه بود و برخی آیات قرآن، رفتار آنان را می‌ستایند، اما در جنگ‌های ممانعت‌کننده پس از فتح مکه، اعتراض‌های پی‌درپی انصار به روش تقسیم غنایم به نگرانی انصار از آینده سیاسی، بخشش‌های بسیار پیامبر ﷺ به بزرگان قریش در جریان فتح مکه و پس از آن، تغییر فضای سیاسی مکه و تأثیر پذیری از نافرمانی‌های مکرر بزرگان مهاجر از دستورهای پیامبر ﷺ و اعتراضات منافقان به روش توزیع غنایم مرتبط بود.

ریشه واکنش رفتاری منافقان را می‌توان حرص شدید آنان به مطامع دنیا و عدم اعتقاد قلبی آنان به ارزش‌ها و باورهای دینی، تلاش برای تحریک مسلمانان علیه پیامبر ﷺ، ایجاد اغتشاش و تفرقه میان مهاجران و انصار دانست. هم‌چنین، تسلیم گروهی قبایل نومسلمان پس از فتح مکه و پذیرش اسلام سیاسی و درونی نشدن باورهای دینی در میان آنان از دلایل رفتارهای نابهنجار این گروه در مواجهه با روش توزیع غنایم بود.

منابع

۱. ابن الأثير، عزالدين أبو الحسن، *الكامل في التاريخ*، بيروت: دار صادر، ۱۳۸۵/۱۹۶۵م.
۲. ابن سعد، محمد بن منيع، *الطبقات الكبرى*، تحقيق محمد عبدالقادر عطا، بيروت: دارالكتب العلمية، ۱۴۱۰ق/۱۹۹۰م.
۳. ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد، *ديوان المبتدأ والخبر في تاريخ العرب والبربر*، تحقيق خليل شحاده، چاپ دوم، بيروت: دارالفكر، ۱۴۰۸ق/۱۹۸۸م.
۴. ابن كثير، اسماعيل بن عمر، *تفسير القرآن العظيم (ابن كثير)*، تحقيق محمد حسين شمس الدين، بيروت: دارالكتب العلمية، ۱۴۱۹ق.
۵. ابن منظور، محمد بن مكرم، *لسان العرب*، تحقيق جمال الدين ميرباقری، چاپ سوم، بيروت: دار صادر، ۱۴۱۴ق.
۶. ابن هشام حمیری معافری، عبدالملک، *السيرة النبوية*، بيروت: دارالمعرفة، بی تا.
۷. ابن هشام حمیری معافری، *السيرة النبوية*، تحقيق محمد محبی الدين عبدالحمید، ج ۴، قاهره: مكتبة محمد علی صبیح و اولاده، ۱۳۸۳ق/۱۹۶۳م.
۸. اربلی، علی بن عیسی، *كشف الغمة في معرفة الائمة*، قم: رضی، ۱۴۲۱ق.
۹. بختیاری، شهلا، «سنخ شناسی مشارکت اصحاب حاضر در جنگ احد براساس قرآن و منابع تاریخی»، *تاریخ اسلام و ایران*، ۱۳۹۴، شماره ۲۶.
۱۰. بغوی، حسین بن مسعود، *تفسیر البغوی المسمی معالم التنزیل*، تحقيق عبدالرزاق مهدی، بيروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۲۰ق.
۱۱. بلاذری، أحمد بن یحیی بن جابر، *أنساب الأشراف*، تحقيق سهیل زکار و ریاض زرکلی، بيروت: دارالفکر، ۱۴۱۷ق/۱۹۹۶م.
۱۲. بیهقی، ابوبکر، *دلائل النبوة*، بيروت: دارالكتب العلمية، ۱۴۰۵ق.
۱۳. بهرامی، حمزه علی، «مقایسه تحلیلی سیره رسول خدا ﷺ با دوره خلفای راشدین در تقسیم غنایم»، *تاریخنامه خوارزمی*، ۱۳۹۶، شماره ۲۰.
۱۴. پیشوایی، مهدی، *تاریخ اسلام (از جاهلیت تا رحلت پیامبر اسلام ﷺ)*، چاپ دوازدهم، قم: نشر معارف، ۱۳۸۹.

۱۵. ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، تفسیر الثعالبی المسمی بالجواهر الحسان فی تفسیر القرآن، تحقیق عادل احمد عبدالموجود، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۸ق.
۱۶. جابری، محمدعابد، عقل سیاسی در اسلام، تهران: گام نو، بی تا.
۱۷. جواد علی، المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، الطبعة الرابعة، بیروت: دارالساقی، ۱۴۲۲ق./۲۰۰۱م.
۱۸. جوادی آملی، عبدالله، تسنیم، ج ۱۶، قم: مرکز نشر اسراء، ۱۳۸۸.
۱۹. جوادی آملی، عبدالله، تسنیم، ج ۳۲، قم: مرکز نشر اسراء، ۱۳۹۳.
۲۰. حاج حسن، حسین، حضارة العرب فی عصر الجاهلیه، الطبعة الثالث، بیروت: مجد، ۱۴۱۷ق./۱۹۹۷م.
۲۱. رشید، رضا محمد، تفسیر القرآن الحکیم الشهیر بتفسیر المنار، بیروت: دارالمعرفة، ۱۴۱۴.
۲۲. رضائیان، علی، مدیریت رفتار سازمانی، چاپ دوم، تهران: انتشارات دانشکده مدیریت دانشگاه تهران، ۱۳۷۳.
۲۳. زرگری نژاد، غلامحسین، تاریخ صدر اسلام (عصر نبوی)، چاپ هشتم، تهران: سمت، بی تا.
۲۴. زمخشری، محمود بن عمر، الکشاف، تصحیح مصطفی حسین احمد، چاپ سوم، بیروت: دارالکتب العربی، ۱۴۰۷ق.
۲۵. سیوطی، عبدالرحمن، الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور، قم: کتابخانه عمومی آیت الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ق.
۲۶. شریعتمداری، علی، روانشناسی تربیتی، چاپ چهارم، تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۴.
۲۷. طباطبایی، محمدحسین، تفسیر المیزان، ترجمه محمد باقر موسوی، چاپ پنجم، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۴.
۲۸. طبرسی، فضل بن حسن، تفسیر مجمع البیان، مترجم، حسین نوری همدانی، تهران: فراهانی، بی تا.
۲۹. طبری، أبوجعفر محمد بن جریر، تاریخ الطبری (تاریخ الأمم و الملوک)، تحقیق محمد أبوالفضل ابراهیم، الطبعة الثانية، بیروت: دارالتراث، ۱۹۶۷م.

۳۰. طبری، أبو جعفر محمد بن جریر، جامع البیان فی تفسیر القرآن الکبیر، بیروت: دارالمعرفة، ۱۴۱۲ه.ق.
۳۱. عبدالمحمدی، حسین، مستشرقان و پیامبر اعظم ﷺ، قم: نشرالمصطفی، ۱۳۹۲.
۳۲. عاملی، جعفر مرتضی، سیرت جاودانه (ترجمه و تلخیص الصحیح من سیرة النبی - الاعظم)، ترجمه محمد سپهری، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۴.
۳۳. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر القمی، تحقیق طیب موسوی جزایری، چاپ سوم، قم: دارالکتاب، ۱۳۶۳.
۳۴. مجلسی، محمدتقی، بحار الأنوار، چاپ دوم، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
۳۵. مسعودی، أبو الحسن علی بن الحسین، التنبیه و الإشراف، تصحیح عبدالله اسماعیل الصاوی، القاهرة: دار الصاوی، بی تا.
۳۶. مقریزی، تقی الدین أحمد بن علی، إمتاع الأسماع بما للنبی من الأحوال والأموال والحفدة والمتاع، تحقیق محمد عبدالحمید النمیسی، ج ۱، بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۲۰ق.
۳۷. مفید، المفنعة، تحقیق مؤسسه النشر الإسلامی، الطبعة الثانية، قم: مؤسسة النشر الإسلامی، ۱۴۱۰ق.
۳۸. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، تفسیر نمونه، چاپ دهم، تهران: دارالکتب الإسلامیة، ۱۳۷۱.
۳۹. مونتگمری وات، محمد فی المدینة، تعریب شعبان بركات، بیروت: صیدا، بی تا.
۴۰. مهدوی دامغانی، محمود، «پیامبر ﷺ و جریان نفاق»، فصلنامه مطالعات تاریخی جهان اسلام، ۱۳۸۸، شماره ۱.
۴۱. الواقدی، محمد بن عمر، المغازی، تحقیق مارسدن جونز، الطبعة الثالثة، بیروت: مؤسسة الأعلمی، ۱۴۰۹ق/۱۹۸۹م.
۴۲. یاوری سرتختی، «بررسی تاریخی وضعیت خمس در عصر حضور ائمه علیهم السلام»، تاریخ اسلام در آینه پژوهش، ۱۳۹۲، شماره ۳۴.
۴۳. یعقوبی، احمد بن أبی یعقوب، تاریخ یعقوبی، بیروت: دار صادر، بی تا.
۴۴. یوسفی، احمد علی، «برآورد کمی غنایم عصر خلفای راشدین و برخی پیامدهای آن»، فصلنامه تاریخ اسلام، شماره ۱۶.